

امام موسی صدر؛ پرچم‌دار حرکت گفتگوی ادیان و تقریب مذاهب در لبنان



حوزه اندیشه [خبرگزاری تقریب](#): سیدموسی صدر، در روز ۱۴ خرداد سال ۱۳۰۷ هجری شمسی، در شهر قم به دنیا آمد. پدر او سیدصدرالدین صدر، جانشین شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم و از مراجع بزرگ زمان خود بود و مادرش صفیه طباطبایی قمی فرزند حاج آقا سیدحسین طباطبایی قمی بود. او درس‌های ابتدایی را در دبستان حیات قم گذراند و پس از آن وارد دبیرستان سنایی شهر قم شد و هم‌زمان با دوره دبیرستان، به تحصیل علوم اسلامی در حوزه علمیه قم مشغول شد.

خاندان صدر از بزرگ‌ترین خانواده‌های شیعی در دو سده اخیرند که در ایران، عراق و لبنان، زیسته‌اند. جد پدری امام موسی صدر، سیداسماعیل صدر، جانشین میرزا حسن شیرازی و مرجع مطلق زمان خود و نیای مادری‌اش حاج آقا حسین قمی، جانشین سیدابوالحسن اصفهانی

و رهبر قیام بر علیه رضاشاه بود.

حضور در حوزه علمیه قم

امام موسی صدر پس از اتمام سیکل اول و بخش مقدمات علوم حوزوی، در خرداد سال ۱۳۲۲ رسماً به حوزه علمیه قم وارد شد. استادان فقه و اصول او در قم حضرات آیات سیدمحمدباقر سلطانی طباطبائی، سیدجلال‌الدین طاهری، سیدحسین طباطبائی بروجردی، شیخ عبدالجواد جبل‌عاملی، محمد حجت کوه‌کمری، سیدمحمد حجت، سیداحمد خوانساری و سیدمحمد محقق داماد بودند و فلسفه را نزد علامه سیدمحمدحسین طباطبائی و سیدرضا صدر فرا گرفت. از دوستان اصلی و هم بحث صدر در قم، می‌توان سیدموسی شبیری زنجان‌ی، سیدمحمد بهشتی، سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی و ناصر مکارم شیرازی را نام برد.

امام موسی صدر در کنار تحصیلات حوزوی، دروس دبیرستان خود را به اتمام رساند و در سال ۱۳۲۹ به عنوان اولین دانشجوی روحانی در رشته «حقوق در اقتصاد» (معادل رشته اقتصاد کنونی) به دانشگاه تهران وارد و در سال ۱۳۳۲ فارغ‌التحصیل شد.

حوزه علمیه نجف

امام موسی صدر پس از اتمام تحصیلات در دانشگاه تهران، برای ادامه تحصیلات حوزوی به نجف می‌رود و تا سال ۱۳۳۷ در آن‌جا می‌ماند.

او در این سال‌ها، نزد بزرگانی همچون سیدمحسن حکیم، شیخ مرتضی آل‌یاسین، سیدعبداله‌ادی شیرازی و شیخ حسین حلّی، فقه می‌آموزد و از درس اصول سیدابوالقاسم خویی بهره می‌برد و فلسفه را نیز نزد صدرا بادکوبه‌ای فرا می‌گیرد.

امام موسی صدر قبل از عزیمت به نجف، از سوی علامه طباطبائی مسئولیت نظارت بر نشریه «انجمن تعلیمات دینی» را بر عهده گرفت. وی هم‌زمان با تحصیل در حوزه علمیه نجف، به عضویت هیئت امنای جمعیت «منتدی‌النشر» در آمد و پس از بازگشت به قم ضمن اداره یکی از مدارس ملی این شهر، مسئولیت سردبیری مجله تازه تأسیس «مکتب اسلام» را عهده‌دار گردید. از مهم‌ترین اقدامات او در آخرین سال اقامت در شهر قم، تدوین طرحی گسترده جهت اصلاح نظام آموزشی حوزه‌های علمیه بود که با همفکری شهید بهشتی و آیت‌الله مکارم شیرازی صورت گرفت.

هجرت به لبنان

امام موسی صدر در اواخر سال ۱۳۳۸ و به دنبال توصیه‌های عالمانی همچون آیت‌الله بروجردی، حکیم و شیخ مرتضی آل‌یاسین، وصیت سیدعبدالحسین شرف‌الدین رهبر شیعیان لبنان را پاسخ گفت و به

عنوان جانشین وی، سرزمین مادری خود ایران را به سوی لبنان ترک کرد. اصلاح امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه شیعیان لبنان از یکسو و استفاده از ظرفیت‌های منحصر به فرد لبنان جهت نمایاندن چهره واقعی شیعیان به جهانیان از سوی دیگر، اهداف اصلی این سفر را تشکیل می‌داد. صدر برای نیل به این اهداف و با توجه به جغرافیای اجتماعی و سیاسی لبنان در منطقه و جهان، از همان بدو ورود، فعالیت‌های خود را در سه حوزه موازی سازماندهی نمود.

امام موسی صدر مرجع دینی و سیاسی شیعیان بود که پس از هجرت از ایران به لبنان، مجلس اعلای شیعیان لبنان را تأسیس کرد و رهبری فکری و سیاسی شیعیان این کشور را عهده‌دار شد. او در میان شیعیان به «امام موسی صدر» مشهور است. او در ۹ شهریور ۱۳۵۷، طی سفری رسمی به لیبی به دعوت معمر قذافی، ناپدید شد. در حالی که بسیاری گزارش‌ها حاکی از قتل او در همان زمان توسط قذافی است، برخی گزارش‌ها حاکی از وجود او در زندان‌های لیبی بوده است. آخرین خبر از وضعیت ایشان را احمد رمضان یکی از نزدیکان معمر قذافی روز چهارشنبه ۱۸/۸/۱۳۹۰ طی مصاحبه‌ای با یک شبکه خبری در دُبی بازگو کرد. وی معتقد است که امام موسی صدر در سفرش به لیبی در سال ۱۳۵۷ بعد از ملاقاتش با قذافی به دستور قذافی کشته

شده است.

بازسازی هویت، انسجام و عزت تاریخی شیعیان لبنان

امام موسی صدر از زمستان سال ۱۳۳۸ و هم‌زمان با آغاز فعالیت‌های گسترده دینی و فرهنگی خود در مناطق شیعه‌نشین لبنان، مطالعات عمیقی را به منظور ریشه‌یابی عوامل عقب‌ماندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شیعیان لبنان به اجرا گذارد. حاصل این مطالعات، برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدتی بود که از اواسط سال ۱۳۳۹ و در راستای سیاست محرومیت زدایی، طراحی و اجرا گردید. صدر در زمستان سال ۱۳۳۹ و پس از تجدید سازمان جمعیت خیریه «البر و الاحسان»، با تنظیم برنامه‌ای ضربتی جهت تأمین نیازهای مالی خانواده‌های بی‌بضاعت، ناهنجاری تکدی را به کلی از سطح شهر صور و اطراف آن برانداخت.

ایشان از بهار سال ۱۳۴۸ تا اواسط زمستان سال ۱۳۵۲ با دولت وقت لبنان به گفتگو نشست تا آن را برای اجرای پروژه‌های زیربنایی و وظایف قانونی خود در قبال مناطق شیعه‌نشین و محروم آن کشور ترغیب نماید. در پی امتناع دولت لبنان از پذیرش این مطالبات و نیز اتمام حجت با آن، جنبش محرومان لبنان در اوایل سال ۱۳۵۳ به رهبری امام موسی صدر شکل گرفت و راهپیمایی‌های مردمی عظیمی در

شهرهای بعلبک، صور و صیدا علیه دولت به وقوع پیوستند. اوج گیری بحران خاورمیانه، صف آرای احزاب افراطی مسیحی در برابر مقاومت فلسطینی، و به لبنان کشیده شدن برخی اختلافات جهان عرب، صدر را بر آن داشت تا برای حفظ ثبات کشور و ممانعت از سرکوبی فلسطینی ها، توده های مردم را موقتاً از عرصه رویارویی با دولت کنار بکشانند و پیگیری مطالبات شیعیان را تا آمدن رئیس جمهور بعد به تأخیر اندازد. او در سال ۱۳۵۴ علی رغم کارشکنی ها، مجدداً با اکثریت آراء به ریاست مجلس اعلاى اسلامی شیعیان برگزیده شد. با آغاز جنگ داخلی لبنان در فروردین سال ۱۳۵۴، تمامی تلاش های امام موسی صدر مصروف پایان دادن به این بحران گردید. وی در خرداد آن سال در مسجد عاملیه بیروت به اعتصاب نشست و به پشتوانه مشروعیت مردمی و مقبولیت وسیع و شخصیت کاریزماتیک خود در میان تمامی مذاهب، آرامش را به لبنان بازگردانید. با شعله ور شدن مجدد آتش جنگ، صدر در اردیبهشت ۱۳۵۵ حافظ اسد را وادار نمود تا با اعزام نیروهای سوری به لبنان، موازنه قوا و آرامش را به این کشور بازگرداند. حل اختلافات مصر با سوریه و متعاقب آن برپایی کنفرانس ریاض در مهر ۱۳۵۵، آب سردی بود که امام موسی صدر بر آتش جنگ داخلی لبنان فرو ریخت. این آرامش تا زمانی که صدر در لبنان حضور داشت،

ادامه پیدا کرد.

پرچم‌داری حرکت گفتگوی ادیان و تقریب مذاهب در لبنان

هدف استراتژیک امام موسی صدر آن بود تا شیعیان لبنان را همسان دیگر طوائف، در تمامی عرصه‌های حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن کشور مشارکت دهد. وی از اولین روزهای ورود به لبنان در زمستان سال ۱۳۳۸، با طرح شعار «گفتگو، تفاهم و همزیستی»، پایه‌های روابط دوستانه و همکاری صمیمانه‌ای را با مطران یوسف‌الخوری، مطران جرج حداد، شیخ محی‌الدین حسن و دیگر رهبران دینی مسیحی و اهل‌سنت آن کشور بنا نهاد. در طول حضور دو دهه صدر در لبنان، هیچ مراسم سرور یا اندوهی از شیعیان نبود که صدر در آن شرکت نجوید و تنی چند از فرهیختگان مسیحی و اهل‌سنت در معیت وی نباشند. حمایت صدر از بستنی فروشی مسیحی در اوایل تابستان سال ۱۳۴۱ در شهر صور، که به فتوای صریح وی مبنی بر طهارت اهل کتاب منجر گردید، توجه تمامی محافل مسیحی لبنان را به سمت خود جلب نمود. در اواخر تابستان ۱۳۴۱ مطران گریگوار حداد به شهر صور آمد و از صدر برای عضویت در هیئت امنای «جنبش حرکت اجتماعی» دعوت نمود. از اواخر سال ۱۳۴۱ حضور گسترده امام موسی صدر در کلیساها، دیرها و مجامع دینی و فرهنگی مسیحیان آغاز گردید. سخنرانی‌های تاریخی صدر در دیرالمخلص واقع در جنوب

و کلیسای مارمارون در شمال لبنان طی سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲، تأثیرات معنوی عمیقی بر مسیحیان آن کشور بر جای نهاد.

امام موسی صدر در تابستان سال ۱۳۴۲ و طی سفری دو ماهه به کشورهای شمال آفریقا، طرحی نو جهت هم‌فکری مراکز اسلامی مصر، الجزایر و مغرب با حوزه‌های علمیه شیعه لبنان در انداخت. وی در بهار سال ۱۳۴۴، اولین دور سلسله گفتگوهای اسلام و مسیحیت را با حضور بزرگان این دو دین، در مؤسسه فرهنگی «الندوة اللبنانية» به راه انداخت. وی پس از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۳۴۶ به دیدار پاپ رفت و نشستی که ابتدا نیم ساعت پیش‌بینی شده بود، به تقاضای پاپ بیش از دو ساعت به درازا کشید. امام موسی صدر از سال ۱۳۴۷ به عضویت مرکز اسلام‌شناسی استراسبورگ در آمد و از رهگذر هم‌فکری و ارائه سمینارهای متعددی در آن، انتشار آثاری ارزشمند چون «مغز متفکر جهان شیعه» را زمینه‌سازی نمود. صدر در بهار سال ۱۳۴۸ و بلافاصله پس از افتتاح مجلس اعلای اسلامی شیعیان، از شیخ حسن خالد مفتی اهل سنت لبنان دعوت نمود تا با هم‌فکری یکدیگر برای توحید شعائر، اعیاد و فعالیت‌های اجتماعی طوائف اسلامی، تدبیری بیندیشند. وی در همین خصوص طرح مدونی را به اجلاس سال ۱۳۴۹ «مجمع بحوث اسلامی» در قاهره ارائه نمود، و متعاقب آن به عضویت دائم این مجمع درآمد.

امام موسی صدر در سال ۱۳۴۹ رهبران مذهبی مسلمانان و مسیحیان جنوب لبنان را در چارچوب «کمیته دفاع از جنوب» گرد هم آورد تا برای مقاومت در برابر تجاوزات اسرائیل چاره‌اندیشی نمایند. وی در زمستان سال ۱۳۵۳ و در اقدامی بی‌سابقه، خطبه‌های عید موعظه روزه را در حضور شخصیت‌های بلندپایه مسیحی لبنان در کلیسای کبوشین بیروت ایراد نمود و اگر آتش جنگ داخلی شعله‌ور نمی‌شد، در پی آن بود تا کاردینال مارونی لبنان را برای ایراد خطبه‌های یکی از نمازهای جمعه شهر بیروت دعوت نماید. صدر در زمستان سال ۱۳۵۵ و در جمع سردبیران جراید بیروت، با پیش‌بینی صریح حذف فاصله‌ها و روند جهانی شدن در اواخر قرن بیستم، قرن بیست و یکم را قرن همزیستی پیروان ادیان، مذاهب، فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون نامید و بر رسالت تاریخی لبنان جهت ارائه الگویی موفق در این زمینه پای فشرد. امام موسی صدر در اواسط سال ۱۳۵۷ موفق گردید رهبران مسلمان و مسیحی لبنان را جهت برپایی یک جبهه فراگیر ملی متقاعد نماید و در این مسیر تا آنجا پیش رفت که حتی موعد تأسیس و اولین گردهمایی آنان را برای پس از بازگشت خود از سفر لیبی مشخص نمود.

در راه وحدت مسلمانان

به نقل از روزنامه لبنانی المحرر 19/10/1969 امام موسی صدر پس از انتخابش به ریاست مجلس اعلای شیعیان، به مفتی اهل سنت جمهوری لبنان نامه ای نوشت. در این نامه، امام موسی صدر راه های وحدت عملی مسلمانان شیعه و سنی را مطرح کرده و در پایان پاسخ مفتی اهل سنت لبنان نیز آمده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر بزرگوار جناب آقای شیخ حسن خالد، مفتی بزرگ جمهوری لبنان السلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

در این ایام دشواری که امت اسلامی را آشوب و اضطراب فراگرفته و در برابر خطرهای پی پی در پی که حال و آینده سراسر این منطقه را دستخوش توفان کرده، بیش از پیش نیاز مبرم مسلمانان به وحدت و متحد کردن صفوف متفرق و هماهنگی و انسجام تلاش های مختلف آنان نمایان می شود. این امر از آن رو ضروری است که مسلمانان باید در حرکت به سوی آینده و ترسیم سرنوشت تاریخی و ادای مسئولیت هایشان مسیر خود را بشناسند و به خویشتن اعتماد کنند.

اتحاد کلمه و وحدت نیروها و افزایش توان‌ها تنها برای این نیست که این موارد بزرگ‌ترین هدف‌های دینی‌اند، یا آنکه وصیت پیامبر عظیم الشان (ص) ماست، بلکه این مسائل با تمامیت زندگی ما و کرامت ما و وجود نسل‌های ما مرتبط است و خود مسئله‌ای حیاتی به شمار می‌آید.

این اتحاد کلمه نباید تنها به صورت یک شعار یا جمله زیبا جلوه‌گر شود، بلکه باید در تار و پود اندیشه و احساس ما، در فکر و تپش‌های قلب ما و در راه و روش ما خودنمایی کند. این وحدت رکن اساسی برای آینده است. این اتحاد جز با بذل عنایت فکری و در پی آن با تلاش وجدانی خاص و سعی و کوشش برای تحکیم آن به دست نمی‌آید. اگر چنین شود وحدت حقیقی بنیان گذاشته می‌شود و استوار می‌گردد و نمونه و الگویی پدید می‌آید که می‌توان بدان اقتدا کرد.

برادر بزرگوار، اینک ما تجربه اندک خود را خالصانه در برابر شما می‌نهم. پیش از این هم، در نخستین دیداری که چهار ماه پیش در «دارالافتاء الاسلامیه» داشتیم، به شما عرض کردم که وحدت کلمه و اندیشه و احساس مسلمانان و به عبارتی دقیق‌تر، گسترش وحدت مسلمانان بر ستون‌های فکری و عاطفی محکمی قرار دارد که از دو طریق تحقق می‌یابد.

مبانی و بنیان‌های اسلام، در اساس، یکی است و امت واحده نیز در عقیده، کتاب، مبدأ و معاد با هم مشترکند. بنابراین، چنین اشتراک گسترده‌ای اقتضا می‌کند که این امت در جزئیات نیز وحدت داشته باشند. وحدت در جزئیات مختلف یا نزدیک کردن آن‌ها به هم، خواسته‌ای است که آرزوی بزرگ تحقق آن بر ضمیر دانشمندان گذشته‌مان-قدس‌ا‌ اسرارهم- نیز پوشیده نبوده است.

ما می‌بینیم شیخ ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، هزار سال پیش، کتابی به نام «الخلافة» در فقه تطبیقی تألیف می‌کند و نیز علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، به پیروی از شیخ، همین مسیر را با تألیف «التذکرة» ادامه می‌دهد. در واقع، فقه تطبیقی همان هسته صالح برای رویانیدن وحدت فقهی و تکمیل وحدت شریعت است. در دوره ما، از حدود سی سال پیش، گروهی از نخبگان دانشمند و مجاهدان بزرگ از سلک علمای اسلام دست به تأسیس «دارالتقریب

بین‌المذاهب‌الاسلامیه» در شهر قاهره زدند که از جمله آنان علمای گران‌سنگی همچون استاد بزرگ مرحوم شیخ عبدالحمید سلیم و استاد مرحوم شیخ محمود شلتوت و مرحوم شیخ محمد محمد المدنی رئیس

دانشکده شریعت الازهر را می‌توان نام برد، و نیز از دیگر دانشمندان بزرگ در لبنان و ایران و عراق باید از آیت‌الله سیدعبدالحسین شرف‌الدین و مرجع بزرگ شیعیان جهان مرحوم آیت‌الله العظمی سیدحسین بروجردی و استاد علامه شیخ محمدتقی قمی، مسئول دائم دارالتقریب، نام برد.

راه‌های همکاری

این گونه تلاش‌ها در موقعیت‌های استثنایی، مثل موقعیت ما در لبنان، بیشتر جلوه می‌کند؛ چرا که در لبنان بیشترین سازگاری و سریع‌ترین نتیجه‌گیری را در پی دارد. این کار با همکاری و یکپارچه کردن همه تلاش‌هایمان برای تحقق اهداف متنوع و مشترک شکل می‌گیرد و در حد خود دستاوردی است وحدت بخش. این تلاش مشترک، به پیوند و همبستگی کارگزاران در مسیری واحد می‌انجامد، پیوندی صمیمی و صادقانه و در نتیجه، اعتماد و آرامش افراد جامعه اسلامی را به ارمغان می‌آورد، چرا که وحدت عقیده و احساس در آن‌ها متجلی شده است. من به عنوان مثال، نه از روی حصر، برخی از این اهداف را یادآوری می‌کنم.

الف. اهداف شرعی محض، همچون یکی کردن اعیاد و شعایر دینی و برخی از عبادات مانند اذان و نماز جماعت و غیره؛ در صورت امکان

با اعتماد بر طرق علمی جدید به منظور رؤیت هلال در زاویه رؤیت، شاید بتوان به نتیجه‌ای رسید که روز عید را تعیین کرد، تا بدین وسیله مسلمانان جهان بتوانند در یک روز این عید را برگزار کنند و از دشواری‌هایی که از این راه برای آنان پیش می‌آید کاسته شود؛ دشواری‌های متعددی که ما به علّت تأخر و تقدّم ثبوت عید با آن‌ها روبرو می‌شویم. همچنین می‌توان درباره جملاتی برای اذان که در نزد عامه مورد پذیرش است، بررسی و تحقیق به عمل آورد.

ب. اهداف اجتماعی: با تلاش مشترک می‌توان به مبارزه با بی‌سوادی و آوارگی پرداخت. تحت نظر گرفتن ایتام و بالا بردن سطح زندگی زحمت‌کشان می‌تواند از دیگر اهداف مشترک ما باشد و ایجاد مؤسساتی برای این اهدافِ والا کاری ساده و ممکن است.

ج. اهداف ملی: آیا در میهن‌دوستی ما تردیدی هست؟ پس:

وجوب مشارکت فعالانه برای آزادسازی فلسطین

وجوب حمایت از لبنان در برابر مطامع دشمن جنایتکار

وجوب کمک به مبارزات مقدس مردم فلسطین؛

همه این‌ها اهداف ماست و در آن کوچک‌ترین اختلافی نیست. اما

تمام این موارد به بررسی‌های دقیق به منظور اجرای آن‌ها،
مرزبندی مسئولیت‌ها در قبال آن‌ها، هماهنگ کردن تلاش تمام مردم
این مرز و بوم با مسئولان و دولت‌های عربی و جمع کردن توان
مسلمانان جهان و صاحبان وجدان‌های بیدار و خیراندیشان، در هر
نقطه‌ای، نیاز مبرم دارد.

برادر بزرگوار، پیش از به پایان بردن این نامه، نظر جناب‌عالی
را به ماه مبارک رمضان، که حلول آن نزدیک است، جلب می‌کنم.
چنانکه خود می‌دانید این ماه برای ایجاد یک جو روحی و
قهرمانانه فرصت استثنایی محسوب می‌شود. زیرا مسلمان در این ماه
با اعتقادات جاویدش زندگی می‌کند. از این رو امیدوارم شما
سریعاً دستور فرمایید مسئولان «دارالافتاء الاسلامیه» همکاری خود
را با اعضای کمیته انتشارات و تبلیغات مجلس اعلای شیعیان آغاز
کنند و با کمک دیگر مؤمنان فعال، که در بخش تبلیغات رسمی کار
می‌کنند، برای خلق فضای مناسب با این ماه بزرگ و ایجاد فضایی
پر از انوار خیر و حق و فداکاری، برنامه ریزی کنند. امیدوارم
جناب‌عالی برای خدمت به اسلام و اقدامات خیر و خدمت به
برادرانتان در مجلس اعلای شیعیان و برای برادر مخلصان زنده و
پاینده باشید.

موسی □ صدر

پاسخ مفتی جمهوری لبنان به نامه امام موسی صدر در تاریخ

18/10/1969

بسم الله الرحمن الرحيم

ریاست محترم مجلس اعلای شیعیان برادر امام موسی صدر

السلام علیکم ورحمة الله و برکاته

نامه جنابعالی را که در تاریخ 1/10/1969 نوشته شده بود با ارج و احترام فراوان در تاریخ 6/10/1969 دریافت کردم، که در آن نسبت به یکی کردن مواضع و تلاشها و اعیاد همه مسلمانان در لبنان نکاتی را یادآور شده بودید. خصوصاً این نامه آنچه را که ما از مجلس محترم شما در پی انتخاب جنابعالی انتظار داشتیم، برآورده ساخت؛ به گونه‌ای که از آغاز نسبت به فعالیت‌های اسلام‌خواهانه و میهن‌دوستانه در تمام میدان‌ها و مناسبت‌ها برای اهدافی که مرقومه شریفه شما نیز به آن‌ها اشاره کرده بود، هم‌صدا با ما شرکت جسته‌اید. اکنون پدید آمدن یک هیأت رسمی همچون مجلس شما بدون تردید عاملی مهم در استحکام این عمل

خیرخواهانه بر اساس وحدت سازماندهی با مجلس اعلای شرعی
(دارالافتاء الاسلامیه) که مرقومه شریفه شما ما را به بررسی آن
فراخوانده بود، به شمار می‌آید. امید است با علم و آگاهی حرکت
کنیم و از خداوند می‌خواهیم همه ما را در آنچه رضای اوست موفق
بدارد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.